



۲۰۲۲/۰۳/۲۰



رحیم شنسب

نوروز همه مبارک

تقویم سال روز اول حمل - ماه اول سال - صده اول سال ۱۴۰۱

مژده ای دل که نو بهار آمد
کاروانی ز سوی یار آمد
سفرهء صنع صانع را به چمن
نقش در نقش بی شمار آمد

بهار یا همان اعتدال ربیعی است بعد از فصل سرما و انجماد شب و روز، هوا، مزاج انسانی و طبیعت همه به تعادل می آغازند. زنده شدن طبیعت، نموی گل و برگ و سبزه از بیرون نمی آید، و دیعهء نمو و متبازر شدن در درون آنهاست ولی اعتدال ربیعی این فرصت برازندگی، تجلی، شگوفائی و تبارز را برایشان مهیا می کند و طبیعت دوباره جوان می شود و قابل تأمل در راز آفرینش.

نوبهار است در آن کوش که خوشدل باشی
که بسی گل بدمد باز تو در گل باشی
من نگویم که کنون با که نشین و چه بنوش
خود تو دانی که اگر زیرک و عاقل باشی

بهار از آیات بزرگ الهی است و نوشدن تجدد عالم و طبیعت، آنانیکه نشانهء تحول طبیعت که عطای خداوندیست و آنرا تکذیب میکنند در حقیقت (کذبوا بآیاتنا) در وصف ایشان مصداق دارد و هم آیت ۹ سوره فاطر قرآن (فاحیینا به الارض بعد موتها) را منکر می شوند.

مؤرخین آغاز کشاورزی توسط انسان را دوازده هزار سال قبل تخمین می زنند که بعد از مراحل جستجوی غذا از شکار و رمه داری به زراعت رو می آورند. اولین شرط آمادگی کشاورزی دانستن آغاز فصل و ایام آمادگی طبیعت برای این امر است که با شناخت از بهار منجر شده است. کشاورزی سبب جابجائی اقوام در یک محل، آغاز تحولات اجتماعی، پدید آمدن فرهنگ و آنچه شایستهء زندگی اجتماعی است با اعتقاد به بهار و آغاز کار بار کشاورزی ایجاد شده است.

پدیدهء تجلیل از آغاز فصل کشاورزی یعنی (بهار) در فرهنگ اقوام مختلف راه یافت که به وضوح دیده می شود. تجلیل (غلبهء روشنائی بر تاریکی) در هندوستان، رقص های (شبیبه) و (تلاسلولیتول) اسپانیوی ها و امریکای جنوبی در جشن

های بهاری و کشاورزی، برگذاری جشن بهار در عصور فراعنه مصر و تجلیل نوروز قبطی های آن دیار، تجلیل نوروز اقوام آریائی، جشن های سال نو بودائی ها، اتیوپی ها، زردشتی ها، میترائی ها، جشن های بهاری اسلاوها، افسانه های بهاری (بابامارتا) در بلغاریا مانند بابه نوروزی و نه نه نوروز در زبان فارسی، اساطیر بابلی ها، آشوری ها و اکد ها در شبه جزیره عربستان در بین پادشاهان حیره و نواحی خلیج فارس و جشن های (نوسر) یا نوروزی سغدیان ترکی، این همه تاریخ بزرگ اقوام و انسان های مناطق مختلف عالم است که بهار و نوشدن طبیعت را در طول تاریخ شناخته شده انسان در زمین را نشان می دهد؛ فرهنگ همه اقوام جهانی که آنگیزه های دینی را در آن نمی توان مشاهده کرد.

اولین بار اقدام به کشاورزی و زراعت در بین النهرین اتفاق افتاد و آغاز آنرا در فصل ربیع یا بهار کشف کردند، بناء این زمان را آمدن سعادت، فیض امید و مژده از فصل آماده شدن طبیعت برای تهیه غذای شان پنداشتند. این جشن های بهاری در حوزه آریائی ها بنام (نوروز) تجلیل و برگزار می شود. بیشتر از سه صد میلیون نفر در افغانستان، ایران، روسیه قزاقستان، قرغزستان، سوریه، عراق، گرجستان، ازبکستان، پاکستان، آلبانی، چین، ترکیه، هند، ترکمنستان و آذربایجان نوروز را تجلیل می کنند و درین کشور ها نوروز رسمیت دارد و اکثراً تعطیلات رسمی است.

یونسکو نوروز را به عنوان میراث فرهنگی و معنوی بشر به ثبت رسانیده سازمان ملل متحد نیز بروز سه شنبه ۲۳ فیبروری ۲۰۱۰ با تصویب قطعنامه ۲۱ مارچ برابر اول حمل را در چارچوب ماده ۴۹ و تحت عنوان فرهنگ صلح به عنوان روز جهانی نوروز به تصویب رسانید و نوروز که از طرف بسیاری از کشورها تجلیل میشد به رسمیت شناخته شد.

اخیراً شورای شهر واشنگتن نوروز را به پیروی از تصمیم سازمان ملل متحد به رسمیت شناخت. جشنی که گفتیم بیشتر از سه صد میلیون نفر در مناطق مختلف آنرا تجلیل می کنند و تجلیل کنندگان آن پیروان ادیان مختلف از جمله مسلمان، مسیحیان، زردشتی ها، بهائیان، کلیمی ها و غیر معتقدین این روز را جشن می گیرند که به هیچ نژاد، قومیت، ملیت و مذهبی مرتبط نیست.

زیارت و مراسم در تربت حضرت علی و بلند کردن جنده درین روز و میله و زیارت سخی هم تجلیل از روز آغاز خلافت او است. درین روز کشتی نوح نجات یافت و اصنام توسط ابراهیم شکستانده شد.

«امام بخاری در (کتاب) ادب مفرد خود حکایتی را ذکر کرده که جد امام اعظم ابو حنیفه فالوده را به عنوان هدیه در روز نوروز به حضرت علی تقدیم کرد و علی در جواب گفت که هر روز تان نوروز باد.»

پیشینیان و تا امروز نوروز را نتیجه چرخ گردون می دانند که به اثر حرکت انتقالی زمین با خورشید، تغییر فصول را بار می آورد و در نوروز برابری شب و روز، تحول ربیعی و بهاری، همسان با تحولات تیرگان یا تموز، (تابستان) مهرگان یا تعادل خریفی و پائیزی و سپس فصل شتاء و زمستانی را بار می آورد. آنچه در صفحات تاریخ مستند شناخته شده این جشن های بهاری در حوزه (نوروز) و به نام (نوروز) در ۲۳۴۰ سال قبل از میلاد (بیشتر از چهار هزار سال قبل) از امروز شناخته شده است.

آریائی ها تعاطی هدایا به همدیگر، تهیه غذا و میوه های خوان نوروزی با آراستن هفت نوع آن به علت تقدس عدد هفت در فرهنگ خود دارند. تقدس عدد هفت از تداعی هفت آسمان و زمین، هفت کواکب، هفت ملک مقرب و هفت های دیگری الهام گرفته شده است.

نوروز در طول تاریخ اسلام در دربار خلفای اموی، عباسیه، عثمانی و همه سرزمین های اسلامی با شکوه تجلیل شده ولی بعد ها این فرهنگ با پدیده و هابیت در قلمرو اصلی اش و بعضی سرزمین های اسلامی دیگر مورد هدف قرار گرفت؛ تا با محو آن فقط فرهنگ اسلامی که تنها همان دو عید است جایگزین آن شود. در صورت محو تنوع فرهنگی

دیگر اقوام یک وحدت فرهنگی به اصطلاح اسلامی گسترش یابد و در رأس این فرهنگ و رهبری جهان اسلام عربستان سعودی قرار بگیرد و وارث این فرهنگ و رهبریت جهان اسلام را تصاحب و حاصل کند، بدین منظور صدها ملیارد از پول پطروالدالر برای گسترش عقاید افراطی و وهابیت در سرزمین های اسلامی به مصرف رسیده تا از یکطرف اهداف استعماری نوین جهانی را متحقق و از جانب دیگر عقاید دینی سرزمین های اسلامی یک دست شده و رهبری آنرا سعودی ها به عهده داشته باشند. اینجاست که انکار، تحریم و تکفیر نوروز از آن سرچشمه می گیرد. مسلمان نماهای امروز هم به منظور ساختن به اصطلاح (ثقافت) جدید فقاقت خود را با ضدیت از نوروز نشانه می گیرند.

ولی امیدواری کنونی را قابل ذکر می دانم که فطور و ضعف در کیان استعمار نوین پدیدار و سعودی هم متوجه راه ناصواب خود شده اند و تغییراتی مثبت در آینده گمان برده می شود .

نوروز در رأس فرهنگ مردمان منطقه و عمده ترین پدیده فرهنگ پر بار است که در موجودیت آن فرهنگ عربی و دینی مورد نظر شان قوام نمی یابد. درست است که ادیان در فرهنگ ها قسماً مدخول است و لی فرهنگ ها حاصل شرایط تاریخی، جغرافیائی، اقتصادی، طرز تفکر مردمان، فولکلور حماسه ها، موسیقی و بسیاری از پدیده های اجتماعی یک جامعه است.

آیا بهر دلیل واهی باید به مبارزه با فرهنگ مردمان برخاست؟ مولانای بلخی که دوهزار و دو صد آیت قرآن و بیشتر از ششصد حدیث را در مثنوی خویش تذکار داده، از یک حدیث چنین یاد می کند :

گفت پیغمبر به اصحاب کبار
تن مپوشانید از باد بهار
آنچه با برگ درختان می کند
با تن و جان شما آن می کند

بهار، درس خدا شناسی و معاد شناسی و تحول و رشد و تکامل است. اگر انسان ها از این طبیعت زیبا درس بیاموزند، در حقیقت اعتقاد به رستاخیز را آموخته اند: *ان فی خلق السموات والارض واختلاف الليل والنهار لآیات لا ولی الا للباب* همانا در خلقت آسمان ها و زمین و آمد و شد شب و روز، قطعاً نشانه های برای صاحبان اندیشه است.

هرگاه در مراسم نوروز انسان ها به دنبال چنین مفاهیم سازنده و لذت بخشی بروند، قطعاً چنین روزی مبارک است. نتیجتاً باید گفت که بهار و نوروز جشن تجدید طبیعت و نو شدن است. تجلیل از نوروز وقتی انکار و محو شده می تواند که اولاً طبیعت و فصل های سال را تغییر بدهند و محو کنند که این امر ناممکن است. هزاران سال دیگر تا انسان در روی زمین وجود دارد بهار و نوروز و تجدید طبیعت وجود خواهد داشت و تجلیل خواهد شد. کسانیکه به انکار آن کمر بسته اند ، متعصبین، جهال بی خرد و کودن های اند که بالاخره در خم و پیچ تاریخ محو و مضمحل شدند اند و فقط خاطرات سیاه ایشان مانند اقوام عاد و ثمود و چنگیز درج تاریخ خواهد شد.

در افغانستان مردم در نوروز هفت میوه تهیه میکنند .همچنان تهیه سبزی چلو، ماهی و جلیبی، کلچه نوروزی، تخم های رنگی برای اطفال، تهیه لباس نو، خانه پاکي ها در منازل، رفتن به باغ و صحرا (سبزه لگد کردن)، تهیه سمنک و میله گل سرخ در مزار شریف میله گل نارنج در ننگرهار، گل بادام در دایکندی، گل انگور در هرات، گل زرد در کاپیسا، گل انار در کندهار، گل ارغوان در ولایت پروان و در مجموع جشن دهقان در سراسر کشور است.

در تجلیل از سال نو یا نوروز و بهار کشورهای منطقه وحدت نظر دارند، دیده می شود که یونسکو، ملل متحد، بعضی حلقه های اجتماعی در امریکا، اروپا، استرالیا، کانادا بشمول اکثریت کشور های آسیائی و منطوقی در تجلیل آن سهیم

اند، به امید اینکه نوروز یا روز آغاز بهار وحدت فرهنگی جهانی و ملیت های جهان را بار آورده و به بنام روز وحدت فرهنگی و مردمان جهان به رسمیت شناخته شود .

قبل از همه اقوام و مردمان افغانستان باید این روز را بنام وحدت و یگانگی به مصابهء بهار رستاخیز (وحدت ملی) تجلیل و گرامی بدارند .

در این باغ سروی نیامد بلند
که باد اجل بیخش از بن نکند
دو بیتم جگر کرد روزی کباب
که میگفت گویندهای با رباب:
دریغا که بی ما بسی روزگار
بروید گل و بشکفد نوبهار
بسی تیر و دی ماه و اردیبهشت
برآید که ما خاک باشیم و خشت

سال نو و نوروزتان مبارک



برای مطالب دیگر رحیم شنسب روی عکس کلیک کنید